به مناسبت سالروز شهادت خبرنگار شهید احمد غدیریان

شهیدی که در هنگام شهادت، قلم سلاح او بود

اشاره:

شـهید احمد غدیریان، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی در اهواز، شـهیدی که آغاز فعالیت‌های خود را با انجام کار تشـکیلاتی در زمان انقلاب در مسجد جزایری شروع کرد.

این شهید بزرگوار قبل از انقلاب در تظاهرات، به همراه برادر شهید خود شـرکت می‌کـرد و بعد از انقـلاب نیز در سـاماندهی فعالیت‌های انقلابی مشارکت داشت. ۲۷ شـهریور سالگرد شهادت خبرنگار روزنامه در جبهه سوسـنگرد اسـت. نگاهی اجمال به زندگی و نحوه شهادت او کرده ایم:

***ارادت خاصی به شهید بهشتی داشت**

شـهید احمد غدیریان دارای شخصیتی فراتر از یک خبرنگار بود؛ هر چند وی خبرنگار رسمی روزنامه جمهوری اسلامی بود.

شـهید غدیریان شـخصیتی شناخته شـده در اهواز بود که به دلیل فعالیت‌هایی که در جنگ داشت، همه خوزستان وی را می‌شناختند.

او محدود در یک فعالیت نبود و معتقد بود نظام تازه تأسـیس شده و باید شبانه روز در تحکیم نظام تلاش کند و هر جا که نیاز به کمک بود، سـریع و بدون درنگ انجام می‌داد و چون روحیه کار تشکیلاتی داشت، در ساماندهی فعالیت‌ها خیلی کمک می‌کرد.

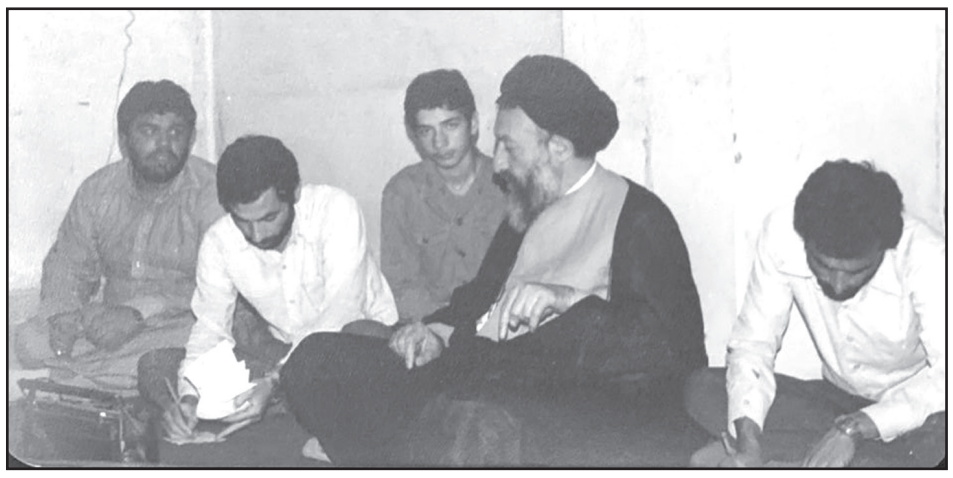

احمد به شـهید بهشـتی علاقه ویژه داشـت و از طرفـی به لحاظ مطالعات، فردی آگاه در مسـائل سیاسی بود و با آن رادیوی معروفی که داشت همه اخبار را پیگیری می‌کرد.

در حوزه تشـکیلات ارادات خاصی به شـهید بهشتی داشت و حتی صبح شـهادت شـهید بهشتی و ۷۲ تن از یاران ایشـان، احمد به دیدار آیت‌الله بهشـتی رفته بود. در سفر استانی که شهید بهشتی به خوزستان آمده بود، گام به گام در طول سـفر همراه شـهید بهشـتی بود. سـعید تجویـدی یکی از همرزمان و دوسـتان مسـجدی وی طبق عادت که تاشـب می‌نشسـتیم و صحبت می‌کردیم یکبار در جبهه بودیم نشسته بودیم و در باره تشـکیلات و به ویژه ظلمی که در حق شـهید بهشتی شـده بود، صحبت می‌کردیم و بعد که تمام شـد شهید غدیریان از من قول گرفت که در عملیات بعدی اطلاع بدهم تا او برای عملیات بیایید. من قبول نکردم؛ اما خیلی اصرار کرد و در شب عملیات شهید مدنی در ۲۷ شهریور سال ۶۰ با من در سوسنگرد حاضر شد.

***حضور در تمام عملیات و مناطق جنگی خوزستان**

با آغاز جنگ تحمیلی این نقش تشـکیلاتی شـهید احمد پررنگ شـد و ارتباط مسـتمر با مسـئولان و فرماندهان جنگ داشـت و تا موقع شهادتش تقریبـا در تمامـی عملیاتها و مناطق جنگی هم به عنـوان خبرنگار و هم به عنوان رزمنده حضور داشـت و در زمینه خبرنگاری طوری بود که سـرعت و دقت اخبار احمد از اخبار صدا وسیما دقیق‌تر بود.

حضـور در خانواده انقلابی و مذهبی از احمد فردی مبارز و مدافع انقلاب سـاخته بـود و در روزهای آغاز جنگ نیز این خانواده یک شـهید (محسـن غدیریان) را تقدیم انقلاب کرده بودند.

یکی از اقداماتی که شهید غدیریان در کنار حضور در جبهه انجام می‌داد، جمع‌آوری کمک‌های ادارات و سـازمان‌های دولتی برای پشـتیبانی از جنگ بود. وی سـعی می‌کرد اخبار جنگ را به شکل صحیح و درست به مسئولان انتقـال دهد و در این زمینه از افراد مورد وثوق آیت‌الله موسـوی جزایری در خوزستان بود.

در زمـان حضور مقام معظم رهبری در کسـوت نماینده حضرت امام در مناطق جنگی در اوایل جنگ، شـهید احمد چندین بار با ایشان دیدار داشت. شـهید غدیریان عادت داشـت هر روز صبح که عملیات داشتیم در خط مقدم حاضر شـود و در کنار رزمندگان به ویژه بچه‌های اعزامی از مسـجد جزایری حاضر شوند و با هم صحبت کنند. در آن دوران شهید غدیریان با سردار علی شـمخانی، فرمانده سـپاه وقت اهواز و شهید حسـن باقری، ارتباط نزدیکی داشت.

حسـن باقری که نام اصلی او غلامحسـین افشـردی بـود، نیز خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی بود.

***روز و نحوه شهادت احمد غدیریان**

شـب عملیات در منطقه سویدانی سوسـنگرد بود و گلوله باران سنگینی بود و دشـمن از همه نوع سـلاح داشت استفاده می‌کرد. سـعید تجویدی از همرزمان او نقل می‌کند:

دیـدم بیرون خیلی عـراق دارد تیراندازی می‌کند اصرار کردم تا او را وارد سنگر کردم و شهید غدیریان برای اینکه مزاحم کارمان نشود تا پایان عملیات هیچ حرف و صحبتی نکرد و آرام کنارم نشست.

در آن شب رمز عملیات ساعت ۲ نصف شب اعلام شد و عملیات آغاز شد و خاکریز عراقی سقوط کرد و ما نماز صبح را پس از فتح خواندیم.

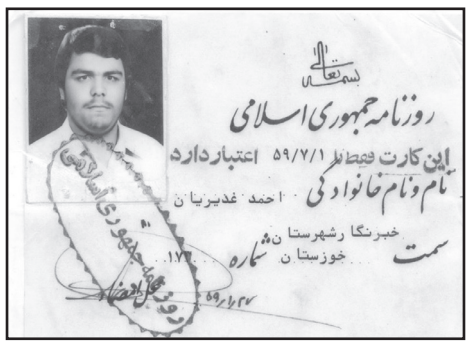

بسمه تعالی
روزنامه جمهوری اسلامی
این کارت فقط تا ۵۹/۷/۱ اعتبار دارد
نام و نام خانوادگی: احمد غدیریان
سمت: خبرنگار شهرستان خوزستان
شماره: ۱۷۳

بعـد از نماز صبح قصد حرکت به محل درگیری برای سـاماندهی نیروها را داشـتیم که شهید غدیریان گفت: من هم می‌خواهم بیایم؛ اما من گفتم نه نمی‌شود تو اصلا سلاح نداری.

او با لبخند دست در جیبش کرد و قلم خود را بیرون آورد و گفت این هم سلاح من و اسلحه ما خبرنگاران قلم ماست.

در گرگ و میش هوا به سـمت مقر عراقـی حرکت کردیم چون معبر باز شـده در میدان مین را گم کرده بودیم ناچاراً باید از میدان مین پاک سـازی نشده عبور می‌کردیم و احمد پشت سر من قدم قدم می‌آمد.

بعد از مدتی به نیروهای خودی رسـیدیم که به شدت درگیر با نیروهای عراقی بودند، سریع شروع به ساماندهی گردانها و تعیین خط حد آنها کردم که

***شـهید غدیریان گفت: من هم می‌خواهم بیایم؛ اما من گفتم نه نمی‌شود تو اصلا سلاح نداری. او با لبخند دسـت در جیبش کرد و قلـم خود را بیـرون آورد و گفـت این هم سلاح من و اسلحه ما خبرنگاران قلم ماست**

ناگهان سرم گیج رفت و گوشم صدای زنگ و پای چپم خیس شد و چشمانم بجز غبار چیزی نمی‌دید.

در این حال و هوا صدای نفس سـخت احمد غدیریان مرا متوجه اتفاقی کـرد کـه افتاده بود، گلوله خمپاره به فاصله کمـی جلوی ما به زمین اصابت کرده بود و ترکش به پای من و پهلوی احمد فرو رفته بود.

احمد لحظات شـیرین شهادت را طی می‌کرد، با اینکه درد شدید داشتم؛ امـا درد خـودم به کنار، جلوی چشـم هایم بهترین دوسـت و برادرم درحال شهادت بود.

احمد را درحالی که به سـختی تمام نفس می‌کشید بوسیدم و با او شروع به صحبت کردم او می‌شنید؛ اما فقط می‌توانست با چشمانش به التماس‌های من پاسخ دهد؛ گرچه چشم‌هایش هم به سرعت درحال بی‌رمق شدن بودند.

التماس می‌کردم احمد قول بده حتما آن دنیا شـفیع من شـوی و احمد با آخرین حرکات پلک‌هایش اشاره کرد: باشد!!

شهید احمد غدیریان به آرامی در آغوشم شهید شد و پر کشید؛ درحالی که می‌دیدم که با حرکت چشم‌ها، او نیز به ما قول‌هایی داد.

بدین ترتیب مردی که روزی خبرنگار بود خود شد خبری جاودان!!

روحش شاد و یادش گرامی باد.

***مینا رامی- اهواز**

شهید سرلشکر خلبان حسین لشگری

۶۴۱۰ روز اسارت سند مقاومت، عزت و افتخار سیدالاسرای هشت سال دفاع مقدس

قسمت دوم و پایانی

***روایـت دوران اسـارت و آزادی از زبان سید الاسراء**

روز پنجـم اسـارت را می‌گذرانـدم و نمی‌دانسـتم در ایران چه خبر است و خانواده‌ام در چـه وضعی هسـتند. با صـدای آژیر قرمز ناگهان رشـته افکارم گسسته شد، نمی‌دانستم چه اتفاقـی افتاده. لحظه‌ای بعـد صدای عبور هواپیمـای جنگنده(اف-۴) در آسـمان پایگاه هوایـی الرشـید بغداد شـنیدم و برایـم خیلی عجیب بود، زیرا عراق فقط هواپیمای روسـی داشت. چند ثانیه بعد انفجار شدید بمب‌ها تمام حدس‌هـای مرا در مورد شـروع یک جنگ به یقین تبدیل کرد.

۱۶ آذر ۱۳۵۹ درب سـلول باز شد. نگهبان گفت وسایلتان را جمع کنید چشم بندها را زدند و سوار مینی‌بوس از شهر بغداد دور و وارد یک اردوگاهی شـدیم که از سه طرف با دیوارهای بتونـی محصور بود که بعدا متوجه شـدیم که زندان ابوغریب می‌باشد.

صبـح روز سـی و یکم تیـر ۱۳۶۱ با آژیر قرمز و شـلیک توپ‌های پدافنـد متوجه حمله هواپیماهای ایران به شـهر بغداد شدیم. فردای آن روز کـه روزنامـه بغداد را برایمـان آوردند عکس و خبر سقوط یک فروند هواپیمای اف-۴ ایران در شـهر بغداد به چشـم می‌خورد که موجب حزن اندوه اسـرا گردید. همان شـب از طریق سیستم اطلاع‌رسـانی مورسی که ایجاد کرده بودیم مطلع شدیم سرهنگ خلبان عباس دوران خلبان هواپیما بوده اسـت و زمان زیادی از ایـن حادثه نگذشـته بود که با شـنیدن خبر مسـرت‌بخش شور و شـوقی زایدالوصفی تمام فضای آسایشگاه را فراگرفت که با حمله هوایی که دوران انجام داد و آسـمان بغـداد را ناامن کرد صدام به اهداف سیاسـی خود در برگزاری اجلاس سـران غیرمتعهدها در بغداد نرسـید و اجلاس در محل دیگری تشکیل شد.

ساعت ۱۱ صبح روز ۱۲ خرداد ۱۳۷۴ داخل سلول نشسته و مشغول خواندن قرآن بودم که درب سلول باز شد. ابوفرح نماینده استخبارات و مسئول من، با چهره‌ای خندان و درحالی که در دسـتانش میوه و عصاره پرتغال و شیرینی بود، وارد شـد. پس از سلام و احوالپرسی گفت فردا قرار اسـت جایی برویم و به نگهبان گفت: بگو سلمانی(آرایشگر) بیاید.

چند لحظه بعد سلمانی با وسایلش در سلول حاضر بود. ابوفرح به سلمانی گفت سر و صورت ابوعلی(حسین لشگری) را خوب اصلاح کن که فردا ملاقات مهمی دارد!. ابوفرح گفت:

– فردا ساعت ۸ آماده باش و رفت.

آن شـب اصلاً نتوانستم به درستی بخوابم. دائم در این فکر بودم که کجا قرار است بروم؟ زیر لب حمد و سوره می‌خواندم و می‌گفتم: خدایا پناه بر تو...

سـاعت ۸ فردا ابوفرح و نگهبان وارد سلول شـدند. حوله‌ای که موقع هواخوری روی سرم می‌انداختم را به عنوان بستن چشم روی سر و صورتم –انداختند و از سلولم بیرون آمدیم.

ابوفرح در عقب ماشـینی را بـاز کرد و هر دو سـوار شدیم. پس از آن که از منطقه الرّشید کاملاً دور شـدیم، ابوفرح حوله را از روی سر و صورت من برداشـت. تازه متوجه شدم که سه تا ماشـین هستند. یکی در جلو و دیگری پشت سرمان.

بیـن راه ابوفـرح مقبره‌های امام موسـی کاظم(ع) و امام جواد(ع) را به من نشان داد.

جلوی یـک پادگان نظامـی توقف کردیم. جوانی حدود ۳۳ سـاله با یک ماشین تویوتای سـفید در کنار ماشین ما ایسـتاد. روی پلاک ماشـین او نوشـته شـده بود "صلیـب الاحمر حولی" (صلیب سرخ بین‌المللی)

در دلم کمی امیدوار شـدم و نور امیدی در دلم روشن شد و پیش خودم گفتم که عراقی‌ها می‌خواهند مرا به نماینده صلیب سـرخ نشـان بدهنـد. مرا وارد یـک اتاق در همـان پادگان کردند و نماینده صلیب سرخ خودش را "مارک فیشر" معرفی کرد.

درحالی که خنده بر لب‌های من نشسته بود گفتم: من حسـین لشـگری اولین خلبان اسیر ایرانی هستم.

لحظاتی بعد سرلشـکر حسن، رئیس کمیته قربانیان جنگ وارد شـد. کمی بعد مارک فیشر از او خواست که با من تنها صحبت کند. وقتی تنها شـدیم من سـیم برق ضبط صوت را که روی میز بود از پریز کشـیدم و داخل قفسـه و کمد را کاملاً جست و جو کردم.

مارک فیشر به من گفت، خوب از عراقی‌ها تجربه کسب کرده‌ای.

گفتم: "گرچه مهم نیسـت ولـی احتیاط را باید در نظر گرفت."

پس از کمی گفت وگـو، من خلاصه‌ای از زندگی‌ام را در عراق برای مارک تعریف کردم. سپس او مشخصات کامل و آدرس منزل تهران من را خواسـت. چون نمی‌دانسـتم در این ۱۶ سال اسارت آدرس منزل مان در تهران عوض شـده باشـد یانه، پس آدرس خدمـات نیروی هوایی را به مارک فیشر دادم.

مارک یک برگ کاغذ نامه فرم صلیب سرخ را درآورد و به من داد، گفت:

–می‌توانی برای خانواده‌ات نامه بنویسی.

اگرچه از خوشحالی در پوستم نمی‌گنجیدم، ولی سـعی کردم ظاهـرم را حفظ کنم و آرام و متین باشم.

آن قدر حرف داشتم که برای خانواده‌ام بزنم ولی باید همه را در چند جمله خلاصه می‌کردم. بـه هر زحمتی که بود چند خطی نوشـتم و به دست مارک سپردم. بعد از تمام شدن ملاقات، مسئول اسـتخبارات عراق(سرهنگ ثابت) نامه مـرا از مـارک گرفت و مطالعه کـرد تا از نظر امنیتی مشکلی نداشته باشد.

هنگام خداحافظی مارک فیشر کارت ویزیت خودش را که از طرف صلیب سـرخ جهانی بود به من داد و گفت:

– این را همراه خودت داشته باش.

سـر و صورت مرا با همان حوله پوشـیدند و سـوار همان ماشـین‌هایی که بـا آن آمده بودیم شـدیم و راه رفتـه را برگشـتیم و وارد سـلول خودم شـدم. جواب اولین نامه من از ایران تقریباً ۲۵خرداد ماه۱۳۷۴ به عراق رسـید ولی ۶ تیر ماه ۱۳۷۴آن را بـه مـن دادند کـه در آن دو قطعه عکس بود. وقتی نامه را گرفتم دلم داشت از جای خودش کنده می‌شد و صبرم به اتمام رسیده بود. اول عکس‌ها را نگاه کردم. عکس اول همسـرم بود که در کنار پسـرم که دیگر مرد جوانی شـده بود ایسـتاده بود. نمی‌توانستم باور کنم این جوان همان پسـر ۴ ماهه‌ای اسـت که وقتی از او جدا شدم حتی نمی‌توانست درست بنشیند.»

این خلبان سرافراز سرانجام در روز نوزدهم مرداد سـال ۱۳۸۸ بر اثر عارضه‌های ناشـی از دوران اسـارت در سـال‌های جنگ تحمیلی به شهادت رسید.

در پایان گرامی می‌داریم استقامت و دلاوری تمامی آزادگان سـرافراز میهن جمهوری ایران اسـلامی و به روح تمامی شهدای هشت سال دفاع مقدس و به ویژه شـهید سرلشکر خلبان حسـین لشـگری درود و صلوات می‌فرستیم و امیدواریم رهروان صدیق راهشان باشیم.

ارتش جمهوری اسلامی ایران
سازمان حفظ آثار ونشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش
تهیه و تنظیم: پژوهشگر دفاع مقدس سرهنگ ستاد قاسم اکبری مقدم

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۷۹۶۳ کلاسه ۴۸۹-۱۴۰۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی دادور به شناسنامه شماره ۵۹۱۴۱ کدملی ۰۹۳۲۲۲۴۳۷۷ صادره فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۲۷۲۸.۹۱ متر مربع پلاک ثبتی ۱۶۵۵۹ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی خانم زهره نژاد اکبر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۷/۱۲
شناسه ارشاد: ۵۲۹
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۷۹۰۹۰ کلاسه ۲۷۹ - ۱۴۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهره نژاد اکبر به شناسنامه شماره ۵۷۲ کدملی ۰۹۰۱۱۴۰۹۱۰ صادره فرزند محمد حسین در ششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۳۴۹۳.۳ متر مربع پلاک ثبتی ۱۶۵۵۹ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی واقع در بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۷/۱۲
شناسه ارشاد: ۵۲۸
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۷۸۷۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا پیامی فرزند مراد علی بشماره شناسنامه ۲۲۰ کدملی ۰۹۰۱۳۷۸۴۰۲ صادره از در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۶۶.۳۳ متر مربع پلاک ثبتی ۲۵۱۵ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی خانم سمیه گلکار محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۷/۱۲
شناسه ارشاد: ۴۸۰
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۷۸۳۴ کلاسه ۲۴۸-۱۴۰۲ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی هادی زحمتکش به شناسنامه شماره ۲۰ کدملی ۰۹۰۲۶۲۲۶۷۶ صادره فرزند محمد در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰.۸۳ متر مربع پلاک ثبتی ۱۸۹ فرعی از ۳۰۲۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای قاسم افراشته محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ، رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۷/۱۲
شناسه ارشاد: ۵۲۷
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک محلات
هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۱ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۵۷۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مهدی شاه‌محمدی فرزند عطاالله بشماره شناسنامه ۱۳۵۲۷ صادره از محلات به کدملی ۰۵۶۹۳۹۶۸۷۵ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۱۷۱ مترمربع پلاک ۴۱۷۵ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۲ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۵۷۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مهدی شاه‌محمدی فرزند عطاالله بشماره شناسنامه ۱۳۵۲۷ صادره از محلات به کدملی ۰۵۶۹۳۹۶۸۷۵ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۲ مترمربع پلاک ۴۱۷۵ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۳ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۵۹۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابوالفضل حسنعلی فرزند رحمت‌الله بشماره شناسنامه ۳۲۰ صادره از تهران به کدملی ۰۰۳۷۱۶۹۸۸۲ نسبت به ۱/۵ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۹ فرعی از ۴۱۰۱ اصلی به مساحت ششدانگ ۶۸۰۸ مترمربع واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۸ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۵۹۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابوالفضل حسنعلی فرزند رحمت‌الله بشماره شناسنامه ۳۲۰ صادره از تهران به کدملی ۰۰۳۷۱۶۹۸۸۲ نسبت به ۱/۵ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۲۰ فرعی از ۴۱۰۱ اصلی به مساحت ششدانگ ۴۱۵۳/۶۲ مترمربع واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۴ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۵۹۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابوالفضل حسنعلی فرزند رحمت‌الله بشماره شناسنامه ۳۲۰ صادره از تهران به کدملی ۰۰۳۷۱۶۹۸۸۲ نسبت به ۱/۵ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۲۰ فرعی از ۴۱۰۱ اصلی به مساحت ششدانگ ۵۶۳۶/۲۵ مترمربع واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۵ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابوالفضل حسنعلی فرزند رحمت‌الله بشماره شناسنامه ۳۲۰ صادره از تهران به کدملی ۰۰۳۷۱۶۹۸۸۲ نسبت به ۱/۵ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۲۴ فرعی از ۴۱۰۱ اصلی به مساحت ششدانگ ۱۲۷۸/۳ مترمربع واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۶ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۵۹۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابوالفضل حسنعلی فرزند رحمت‌الله بشماره شناسنامه ۳۲۰ صادره از تهران به کدملی ۰۰۳۷۱۶۹۸۸۲ نسبت به ۱/۵ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۷ فرعی از ۴۱۰۱ اصلی به مساحت ششدانگ ۲۷۹۴/۶۱ مترمربع واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۷ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۵۹۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابوالفضل حسنعلی فرزند رحمت‌الله بشماره شناسنامه ۳۲۰ صادره از تهران به کدملی ۰۰۳۷۱۶۹۸۸۲ نسبت به ۱/۵ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۹ فرعی از ۴۱۰۱ اصلی به مساحت ششدانگ ۶۸۰۸ مترمربع واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۸ - برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۵۹۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابوالفضل حسنعلی فرزند رحمت‌الله بشماره شناسنامه ۳۲۰ صادره از تهران به کدملی ۰۰۳۷۱۶۹۸۸۲ نسبت به ۱/۵ سهم مشاع از ۳۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۵ فرعی از ۴۱۰۱ اصلی به مساحت ششدانگ ۳۰۸۶/۶۸ مترمربع واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

لـذا بـه منظور اطـلاع عموم مراتـب در دو نوبـت به فاصلـه ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشـخاص نسـبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراضی داشـته باشـند می‌توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۶/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۱۲
شناسه آگهی ۱۵۶۹۴۳۶

آگهی مزایده
آگهی مزایده مال غیرمنقول مربوط به پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۲۰۰۳۹۹

بـه موجب پرونده اجرائی کلاسـه فوق خانـم رقیه عالی‌زاده جهت وصـول مهریه به تعداد ۱۷۵ عدد سکه بهار آزادی (مبلغ سکه‌ها به صورت یوم‌الاداء در روز مزایده محاسبه خواهد شـد) علیه آقای مصطفی گلمحمدزاده اقدام به صدور اجراییه نموده و سـهم‌الارث بدهکار به مقدار یک هفتم از پلاک ثبتی (۳۶۳۲) سـه هزار و ششـصد و سی و دو فرعی از (۱۱۵) یکصد و پانزده اصلی واقع در بخش سـه اردبیل باسـتثناء ثمنیه عرصه و اعیان به اسـتناد گواهـی حصـر وراثت مرحوم حسـینعلی گلمحمدزاده به نام مورث بدهـکار توقیف گردیده است. ششدانگ عرصه و اعیان پلاک فوق به حدود و مشخصات: شمالاً: درب و دیوار بطول (۲۰/۲۰) بیست متر و بیست سانتیمتر به کوچه شرقا: درب و دیوار بطول (۹/۵۰) نه متر و پنجاه سانتیمتر به خیابان جنوباً: دیوار بدیوار بطول (۲۰/۲۰) بیست متر و بیست سانتیمتر بـه یکصـد و پانزده اصلـی غرباً: دیوار بـه دیوار بطـول (۹/۰۰) نه متر به یکصـد و پانزده اصلی. شـش‌دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۳۹۳۶۰۳۰۳۰۰۱۰۰۲۴۸۰- ۱۳۹۳/۰۱/۳۱ موضوع سـند مالکیت اصلی بشـماره چاپی ۰۹۴۳۷۰ سـری ه سال ۹۱ که در صفحه ۵۸۵ دفتر املاک جلد ۸۹۴ ذیل شـماره ۱۴۸۷۲۰ بنام حسـینعلی گلمحمدزاده ثبت گردیده است. به صورت یکباب خانه مسکونی با حدود مندرج در سند رسمی به ابعاد متوسـط عرضاً ۹/۲۵ متر و طولاً ۲۰/۲۰ متر دارای عرصه به مسـاحت ۱۸۶/۸۵ مترمربع در نبـش خیابان و کوچه واقع گردیده اسـت. اعیانی داخل در عرصه واقع در ضلع شـرقی مشرف به خیابان و کوچه با سازه اسکلت فلزی و سقف آهن طاق‌ضربی در دو طبقه همکف و اول هر کدام به مسـاحت حدود ۱۱۰ مترمربع بدون نمای خارجی احداث گردیده اسـت. در قسـمتی